از گوشه و کنار ایران

راننده خواب‌آلود پژو دردسرساز شد

آمبولانس سازمان انتقال خون برای فرار از برخورد با خودروی پژو از جاده منحرف و واژگون شد.
دکتر مریم میرزاده، مدیرکل انتقال خون کرمانشاه گفت: یکی از ۲ دستگاه آمبولانس ون این سازمان هنگام مأموریت و زمانی که برای خون‌گیری سیار راهی شهرستان پاوه شده بود، در راه بازگشت در جاده سراب یاوری با یک دستگاه پژو که راننده آن خواب‌آلود بوده، رخ به رخ و به خاطر انحراف واژگون شد.
وی افزود: ۶ نفر از همکاران انتقال خون در این مأموریت حضور داشتند که یک نفر آنها از ناحیه دست دچار شکستگی شد. به گفته میرزاده، اداره انتقال خون استان کرمانشاه در مجموع ۲ دستگاه آمبولانس برای خون‌گیری سیار در اختیار دارد و این حادثه صدمه جدی به سرویس‌دهی سازمان وارد کرد.

پیگیری قضایی پرونده مرگ کوهنورد در ارتفاعات بجنورد

پرونده مرگ کوهنورد جوان که جسدش پس از ۲ روز در ارتفاعات دهگاه مرکز خراسان شمالی پیدا شد، برای پیگیری به دستگاه قضایی سپرده شد.
بر اساس اعلام جمعیت هلال احمر خراسان شمالی، خبر ناپدید شدن این کوهنورد ۳۳ ساله پنجم مرداد به این جمعیت گزارش شد. این فرد در ارتفاعات دهگاه بجنورد ناپدید شده بود که با استفاده از پهپاد و پس از ۲ روز جست‌وجو در مسیری بالاتر از چشمه پیدا شد.
سیدجواد ایلالی، دادستان عمومی و انقلاب بجنورد گفت: پیگیری‌های قضایی برای رسیدگی به موضوع مرگ این کوهنورد در حال انجام است و در ۲ محور رصد می‌شود. نخست اینکه گروه کوهنوردی خبر ناپدید شدن این کوهنورد را با تأخیر به جمعیت هلال احمر اعلام و در این زمینه کوتاهی کرده‌اند که از این رو موضوع از طریق پلیس در حال بررسی است و موضوع دیگر این است که در بررسی‌های اولیه سقوط از ارتفاع به عنوان یکی از علت‌های مرگ این کوهنورد در حال بررسی است. همچنین باید مشخص شود تیم کوهنوردی مجوز داشته یا خیر چرا که گروه‌های کوهنوردی حتماً برای صعود به کوه و ارتفاعات باید مجوزهای لازم را دریافت و نسبت به بیمه افراد اقدام کنند.

واژگونی کامیون حامل گاز پنتان

یک کامیون حامل گاز پنتان در شهرستان چوار ایلام واژگون شد. سرهنگ «ابوالفضل کهزادی» رئیس پلیس راهور استان ایلام گفت: پیش از ظهر دوشنبه یک کامیون حمل گاز پنتان از مسیر اصلی منحرف و واژگون شد که هرچند این حادثه موجب آسیب جانی یا آتش‌سوزی نشد اما با توجه به نشت گاز، احتمال بروز حادثه وجود داشت که کارشناسان اقدامات ایمنی را انجام دادند.

مأمور پلیس رشوه قاچاقچی سوخت را رد کرد

یکی از مأموران انتظامی وظیفه‌شناس و درستکار شهرستان خمیر، رشوه راننده متخلف را رد کرد. سرهنگ فرزاد ایجادی، رئیس بازرسی فرماندهی انتظامی استان هرمزگان در تشریح جزئیات این خبر اظهار کرد: سروان محمدصادق شایانی یکی از مأموران انتظامی شهرستان خمیر حین کنترل خودروهای عبوری حوزه استحفاظی پاسگاه پهل به یک دستگاه خودرو کشنده مشکوک شده و آن را متوقف کرد. در بررسی خودرو مشخص شد خودرو دارای باک غیراستاندارد و حامل سوخت قاچاق بوده که راننده خاطی برای رهایی و به منظور نادیده گرفتن موضوع، یک سکه طلای بهار آزادی به عنوان رشوه پیشنهاد کرد که این مأمور وظیفه‌شناس ضمن رد رشوه، مراتب را صورتجلسه و به همراه متهم برای سیر مراحل قانونی و بازدید تخصصی از خودرو به پلیس آگاهی شهرستان معرفی کرد.

غرق شدن زن میانسال در دریاچه ارومیه

جسد زن میانسال که در دریاچه ارومیه غرق شده بود، توسط خانواده‌اش بیرون کشیده شد. وحید شادی‌نیا، سخنگوی اورژانس آذربایجان شرقی در توضیح این خبر گفت: عصر یکشنبه طی تماس تلفنی مبنی بر غرق شدن یک زن میانسال در دریاچه ارومیه یک گروه اورژانس از پایگاه جزیره اسلامی به محل اعزام شد. در این حادثه یک زن ۵۳ ساله در حوالی ورودی آق‌گنبد جزیره اسلامی غرق شده و جسدش روی آب شناور بود که توسط خانواده بیرون کشیده شد. کارشناسان اورژانس، جسد زن میانسال را در مسیر انتقال به بیمارستان تحویل گرفتند که اقدامات درمانی مؤثر واقع نشده و جسدش را به پزشکی قانونی منتقل کردند.

۳ کشته در برخورد پراید با گاردریل

تصادف یک دستگاه خودروی پراید با گاردریل در جاده رودان بندرعباس منجر به مرگ دو مرد و یک زن شد.
حسین مکرانی مسئول آتش‌نشانی و خدمات ایمنی شهرداری رودان گفت: این حادثه ساعت ۱ و ۳۰ دقیقه بامداد دوشنبه در تماس با مرکز ۱۲۵ گزارش شد و بلافاصله تیم آتش‌نشانی با تجهیزات کامل به محل حادثه اعزام شدند. عملیات رهاسازی به سرعت آغاز شد و بعد از ۳۰ دقیقه نیز به پایان رسید. در این حادثه تمامی سرنشینان خودرو که ۲ مرد و یک زن بودند، در دم جان باختند.

سارقان سیم و کابل در نیر دستگیر شدند

۳ سارق حرفه‌ای که ۴۰ فقره سرقت سیم و کابل مرتکب شدند در عملیات مأموران پلیس آگاهی شهرستان نیر دستگیر شدند. سردار جواد تقوی، فرمانده انتظامی استان اردبیل گفت: در پی وقوع چند فقره سرقت سیم و کابل مخابراتی در حوزه استحفاظی شهرستان نیر، افزایش و هدفمندسازی گشتزنی‌های انتظامی در دستور کار پلیس این شهرستان قرار گرفت و مأموران هنگام گشتزنی در خروجی روستای اسلام‌آباد ۳ سارق حرفه‌ای را هنگام ارتکاب جرم مشاهده و آنها را در عملیات تعقیب و پلیسی دستگیر کردند. متهمان به ارتکاب ۴۰ فقره سرقت سیم و کابل مخابراتی اعتراف کرده و با دستور مرجع قضایی روانه زندان شدند.

متهم به زودی محاکمه می شود

دفن جسد برادر در باغچه خانه

گروه حوادث / کامران علمدهی: مرد جوان که متهم است به خاطر اختلاف‌های خانوادگی برادرش را کشته و جسدش را در باغچه خانه دفن کرده در حالی قرار است در دادگاه کیفری یک استان تهران محاکمه شود که اولیای دم خواهان قصاص متهم هستند.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، اردیبهشت سال ۱۴۰۰ زن جوانی با مراجعه به پلیس آگاهی پاکدشت خبر ناپدید شدن همسرش را اعلام کرد. وی در تشریح ماجرا به مأموران گفت: همسرم شهاب هر چند روز یکبار به خانه مادرش می‌رفت و کارهای خرید مایحتاج او را انجام می‌داد. صبح دیروز هم گفت به خانه مادرش می‌رود اما دوساعت بعد که با تلفنش تماس گرفتم خاموش بود. بعد از آن تلفن خانه مادرش را گرفتم اما گفتند از آنجا رفته و دیگر خبری از او ندارند. اما من نگرانش هستم و می‌ترسم اتفاقی برایش افتاده باشد.
پس از ثبت شکایت، مأموران ردیابی شهاب را در دستور کارشان قرار دادند و از آنجا که آنتن تلفن همراه شهاب پیش از خاموش شدن در محدوده خانه مادرش روشن بوده پلیس به آنجا رفت و به پرس و جو از مادر و برادر کوچک وی به نام شهرام پرداخت.
برادر شهاب در توضیح به مأموران گفت: من و مادرم چند سالی است که باهم زندگی می‌کنیم. برادرم شهاب هم چند روز یکبار به ما سر می‌زند و برای مادرم خرید می‌کند. صبح دیروز او به خانه مان آمد. مادرم در آشپزخانه کار می‌کرد و من هم برای انجام کاری به زیرزمین رفتم اما وقتی برگشتم برادرم رفته بود. وقتی همسرش هم تماس گرفت به او گفتم که به ما سر زد و از اینجا رفت.
در تحقیقات بعدی و همینطور رصد دوربین‌های مداربسته محل ورود مرد جوان به خانه مادرش ثبت شده بود اما برای مأموران محرز شد که او از خانه مادرش خارج نشده است.
در ادامه مأموران به پرس و جو از خواهر و برادرهای وی پرداختند که مشخص شد بین شهاب و شهرام اختلافات قدیمی و شدیدی وجود داشته و آنها اغلب مواقع باهم درگیر بوده‌اند. همچنین به نظر رسید که شهرام سعی دارد با تناقض گویی مسیر تحقیقات را منحرف کند. از این رو به عنوان مظنون بازداشت شد و تحت بازجویی فنی قرار گرفت.
او در ابتدا بازهم اظهارات اولیه‌اش را تکرار کرد اما وقتی در برابر مستندات قرار گرفت به ناچار پرده از یک جنایت خانوادگی برداشت و به قتل برادرش اعتراف کرد. متهم در تشریح ماجرا گفت: ما سال‌ها باهم مشکل و آنقدر از هم کینه داشتیم که یک روز شهاب چاله‌ای در حیاط خانه حفر کرد و وقتی از خواهرم پرسیدم این چیست به من گفت شهاب گفته قصد دارد تو را در این چاله دفن کند.
وی افزود: روز حادثه من و خواهر و مادرم در خانه بودیم که شهاب به خانه ما آمد و از من خواست تا به او یک میلیون تومان پول بدهم. از آنجایی که ۵۰ هزار تومان بیشتر نداشتم به او گفتم همین قدر پول دارم اما برادرم فکر کرد دروغ گفته‌ام و بعد با یک سیم به من حمله کرد و چند ضربه به من زد. من هم عصبانی شدم و همان سیم را گرفتم و دور گردنش انداختم و خفه‌اش کردم.
وی در پاسخ به این سؤال که چگونه مادر و خواهرت متوجه جنایت نشدند، گفت: خواهرم داخل اتاق تلویزیون می‌دید و مادرم هم مشکل شنوایی دارد به همین خاطر هیچ‌کدام متوجه درگیری ما نشدند. بعد از اینکه او را خفه کردم جسدش را داخل گونی انداختم و منتظر شدم تا خواهرم از خانه ما برود. به محض اینکه خواهرم رفت جسد را در داخل گودالی که برای دفن من حفر کرده بود، گذاشتم و رویش را با خاک پوشاندم.
بعد از اعتراف صریح متهم مأموران محلی را که جسد شهاب در آنجا دفن بود باز کردند و جسد را بیرون کشیدند و با دستور قضایی آن را به پزشکی قانونی انتقال دادند.
در ادامه پسر دیگر خانواده به مأموران گفت: خانه‌ای که مادرم و شهرام در آن زندگی می‌کردند متعلق به شهاب بود. برادرم می‌ترسید بعد از فوت مادرمان شهرام آنجا را تخلیه نکند. به همین خاطر همیشه آنها باهم اختلاف داشتند و موضوع اصلی اختلافشان هم بر سر همین خانه بود.
با تکمیل تحقیقات متهم صحنه جرم را بازسازی کرد و پرونده با صدور کیفرخواست به شعبه ۱۱ دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد تا وی بزودی پای میز محاکمه بایستد. این در حالی است که اولیای دم برای متهم درخواست قصاص کرده‌اند.

مهمان کینه جو تصاویر جشن تولد دوستش را منتشر کرد

گروه حوادث/ میهمان انتقام‌جو که با انتشار تصاویر زنده از جشن تولد دوستش در اینستاگرام ۷۰ هزار بیننده جذب کرده بود از سوی پلیس دستگیر شد.
سرهنگ داود معظمی گودرزی، رئیس پلیس فتای تهران بزرگ در این‌باره گفت: چندی پیش زن جوانی به پلیس فتای پایتخت مراجعه و اعلام کرد که فردی ناشناس که در میهمانی خصوصی جشن تولد او حضور داشته اقدام به انتشار تصاویر خصوصی وی در فضای مجازی کرده و موجب بر هم زدن آرامش روانی او و خانواده‌اش و هتک حیثیت ایشان شده است. شاکی در ادامه اظهاراتش گفت که چندروز قبل میهمانی جشن تولدش بوده که بعد از پایان مراسم متوجه شده یکی از میهمانان از طریق یک صفحه اینستاگرامی ناشناس با نام و مشخصات شاکی اقدام به انتشار تصاویر خصوصی در لایو اینستاگرام کرده و ۲۷ دقیقه از این مراسم را نیز در صفحه‌اش منتشر کرده است.
وی افزود: افسران سایبری پلیس فتای پایتخت اقدامات خود را آغاز کردند و موفق شدند ردپای مجرم را در فضای مجازی شناسایی کنند. کارشناسان این پلیس پس از تشریفات قضایی، مجرم را در یکی از مناطق شمال تهران بزرگ دستگیر و به همراه ادله دیجیتال به پلیس فتا منتقل کردند. وی که از دوستان نزدیک شاکی بود پس از حضور در پلیس فتای تهران بزرگ از موضوع اظهار بی‌اطلاعی کرد اما پس از روبه رویی با شاکی لب به اعتراف گشود و گفت که مدت زیادی است با شاکی مشکل دارد و برای تلافی و انتقام از وی با ایجاد صفحه جعلی با نام و مشخصات وی دست به این اقدام زده است. این ویدیو در فضای مجازی بیش از ۷۰ هزار بار بازدید شده بود.
رئیس پلیس فتای تهران بزرگ با بیان اینکه محتوای منتشرشده از صفحه اینستاگرام پاک شد، گفت: برای متهم پرونده‌ای تشکیل شد و این فرد برای ادامه روند رسیدگی به جرم روانه دادسرا شد.

حسادت و رقابت کاری مرد تعمیرکار را قاتل کرد

گروه حوادث/ مرد تعمیرکار که به خاطر درگیری با سه برادر یکی از آنها را به قتل رسانده بود، بازداشت شد.
به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، صبح یکشنبه ۷ مردادماه خبر یک درگیری مرگبار در منطقه عبدل‌آباد به بازپرس سالار صنعتگر اعلام شد. به دنبال این تماس، تیم جنایی راهی محل که یک مغازه اگزوزسازی در منطقه عبدل‌آباد بود، شدند. مغازه به‌هم ریخته و خون زیادی روی زمین ریخته بود. مرد جوانی که بیرون مغازه ایستاده بود و خودش را صاحب مغازه معرفی کرد به قتل اعتراف کرد و دستگیر شد. بررسی‌های اولیه نشان می‌داد، مهرداد ۳۶ ساله با سه برادر که در مغازه کناری او کار می‌کردند، درگیر شده و یکی از آنها را به قتل رسانده است. به دستور بازپرس شعبه هشتم دادسرای امور جنایی پایتخت، جسد به پزشکی قانونی منتقل شد و مرد جوان نیز در اختیار کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی پایتخت قرار داده شد و تحقیقات در این خصوص ادامه دارد. همچنین بازپرس جنایی دستور احضار دو برادر مقتول را نیز صادر کرد.

اعترافات متهم به قتل

اختلافت با مقتول چه بود؟

مقتول و برادرانش خیلی مرا اذیت می‌کردند، مدام پشت سرم بدگویی و برایم پاپوش درست می‌کردند. مثلاً همین چند روز قبل پلیس مبارزه با مواد مخدر به سراغم آمد و مغازه را گشتند. آنها در وسایل شاگردم مقداری مواد مخدر پیدا کردند. به آنها گفتم که نه من و نه شاگردم اهل خلاف نیستیم و حتماً اشتباهی رخ داده است. مأموران هم در ادامه تحقیقات پس از بازبینی دوربین‌های مداربسته مغازه‌ام دریافتند که یکی از آشنایان مقتول پنهانی وارد مغازه‌ام شده و مواد مخدر را داخل مغازه جاساز کرده است. آنها می‌خواستند برایم پاپوش درست کنند اما اشتباهی مواد را داخل وسایل شاگردم گذاشته بودند. گرچه مقتول و برادرهایش به این کار اعتراف نکردند و نگفتند که به سفارش آنها این کار صورت گرفته اما احتمال زیاد می‌دهم که کار آنها بوده است البته من و شاگردم تبرئه شدیم.

به این دلیل با مقتول درگیر شدی؟

نه، این تنها دلیل نبود. آنها مدام پشت سرم بدگویی می‌کردند. من صاحب مغازه بودم و آنها با اینکه سه برادر بودند اما مغازه‌شان اجاره‌ای بود. مشتری‌های مغازه من زیاد بود و آنها مشتری نداشتند و همه اینها باعث شده بود تا به من حسادت کنند.

شغل مقتول و برادرهایش چه بود؟

در کار تعمیر شیشه خودرو بودند. وقتی مشتری به مغازه من می‌آمد گاهی هم برای انجام کارهای شیشه خودرو به مغازه آنها می‌رفت اما دیگر مشتری برنمی‌گشت. بعداً متوجه شدم آنها پشت سرم بدگویی می‌کنند و می‌گویند کار من خوب نیست، گران می‌گیرم و با این حرف‌ها مشتری‌هایم را فراری می‌دادند.

روز حادثه چه اتفاقی افتاد؟

صبح که سرکار آمدم مثل خیلی مواقع دیگر سر موضوعی با هم دعوایمان شد بعد با وساطت همسایه‌ها ما را جدا کردند. چند دقیقه بعد مقتول وارد مغازه‌ام شد تا با هم صحبت کنیم، اما یک دفعه شروع به فحاشی کرد من هم یقه‌اش را گرفتم. در این میان شاگرد یکی از مغازه‌ها ما را دید که با هم درگیر شده‌ایم و به برادرهای مقتول خبر داد. همزمان برادرهایش وارد مغازه شده و مرا کتک زدند. من هم با میله‌ای که در آن نزدیکی بود ضربه‌ای به سر مقتول زدم که خونین روی زمین افتاد، بلافاصله او را به بیمارستان منتقل کردند اما جان باخت.

شکنجه پسر معلول در اسارتگاه مرد شیشه‌ای

گروه حوادث/ مرد شیشه‌ای که پسر نوجوان ناشنوا را شکنجه می‌کرد با اعلام همسایه‌ها به پلیس دستگیر شد.
به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، چندی پیش زن جوانی با پلیس تماس گرفت و گفت: در همسایگی ما زنی میانسال زندگی می‌کند که پسر و عروسش از هم جدا شده‌اند و او سرپرستی نوه ناشنوا و معلولش به نام میلاد را بر عهده دارد، اما مدتی است که صدای گریه و ناله‌های این پسر بشدت ما را نگران کرده، فکر می‌کنم او را آزار می‌دهند. چون این بچه توان صحبت و حرکت ندارد. می‌ترسم در خطر باشد.
به دنبال این تماس، پس از هماهنگی‌های قضایی مأموران راهی خانه مورد نظر شده و در بررسی‌های اولیه دریافتند که روی بدن پسر ۱۵ ساله آثار ضرب و جرح و سوختگی وجود دارد. در ادامه مأموران به تحقیق از مادربزرگ او پرداختند که زن میانسال در حالی که بشدت ناراحت بود، گفت: پسر و عروسم مدتی قبل از هم جدا شدند و هیچ‌کدام این بچه را نخواستند و من از او نگهداری می‌کنم. مدتی قبل به ناچار صیغه مردی معتاد شدم. من مجبور بودم برای نظافت به خانه‌های مردم بروم و نوه‌ام را در خانه تنها بگذارم اما وقتی من در خانه نبودم این مرد نوه‌ام را شکنجه می‌کرده است.
به دستور بازپرس پرونده مرد شیشه‌ای بازداشت شد و زمانی که مقابل افسر پرونده‌اش در اداره شانزدهم پلیس آگاهی پایتخت قرار گرفت، گفت: چند سالی است که همسرم به دلیل اعتیاد از من جدا شده و به تنهایی زندگی می‌کنم. چند ماه قبل با مادربزرگ میلاد آشنا شده و با اینکه ۲۰ سال از من بزرگ‌تر بود او را به عقد موقت خود درآوردم. هر دویمان به شیشه اعتیاد داشتیم اما وضعیت من بدتر بود و حتی مادربزرگ میلاد را مجبور می‌کردم در خانه‌ها کار و هزینه موادمان را تأمین کند.
او ادامه داد: زمانی که مادربزرگ برای کار از منزل خارج می‌شد بعد از مصرف شیشه دچار توهم می‌شدم و میلاد را به لوله گاز می‌بستم و مورد ضرب و شتم و شکنجه قرار می‌دادم. آثار سوختگی هم بر اثر خاموش کردن سیگار روی بدن میلاد است. چون در آن لحظات در حالت عادی نبودم اصلاً به خاطر نمی‌آورم چطور این رفتار وحشیانه را نسبت به این نوجوان کم‌توان انجام می‌دادم. آن زمان تحت توهم شیشه بودم و حال خوبی نداشتم. از آنجا که میلاد کم‌توان و ناشنوا بود، نمی‌توانست این موضوع را به کسی بگوید و از طرفی هم والدینش به او توجهی نداشتند.
سرگرد سمانه مهربانی، معاون اجتماعی پلیس آگاهی پایتخت در رابطه با این پرونده گفت: با امضای سند طلاق شاید زوجین نسبت به هم غریبه شوند اما نقش والدینی آنها به هیچ عنوان تغییر نخواهد کرد و تا آخر عمر نسبت به فردی که به این دنیا آورده‌اند مسئول هستند و نمی‌توانند فرزند خود را در این دنیای پر از آسیب، تلخی و ناملایمات تنها به حال خود رها کنند. در این پرونده شاید اگر وجدان و احساس مسئولیت همسایگان نبود میلاد هنوز در چنگال این فرد بی‌رحم گرفتار بود. متأسفانه پدر و مادر و مادربزرگ میلاد نسبت به این پسر ناتوان و ناشنوا حس مسئولیت نداشتند و او را رها کرده بودند که بسیار تأسفبار است.